



چین و پویش‌های انباشت بین‌المللی:

علل و پی‌آمدهای تغییر ساختار جهانی (بخش پایانی)

نویسندگان: مارتین هارت لندنبرگ و پل بُرکت

برگردان: احمد سیف

فشارهای شدید صندوق بین‌المللی پول برای کاستن از هزینه‌های دولتی، بودجه دولت در ۲۰۰۰ مجدداً به حالت مزاد برگشت.

سرمایه‌گذاری خارجی نیز با فراهم کردن ارزش حیاتی مورد نیاز دولت، نقش مهمی در بالابردن میزان رشد بازی کرد. ولی بخش عمده‌ای از این سرمایه‌گذاری‌ها، «سرمایه‌گذاری لاشخورانه» بود که شامل خرید اموال شرکت‌های کره جنوبی به قیمت‌های بسیار نازل بود. یک پی‌آمد این سرمایه‌گذاری، سلب مالکیت از سرمایه کره جنوبی بود.^۴ همین که دارائی‌های سودآور خریداری شدند، بطور سریع و چشمگیری این سرمایه‌گذاری خارجی نیز کاهش یافت و از ۱۵/۷ میلیارد دلار در ۲۰۰۰ به ۶/۵ میلیارد دلار در ۲۰۰۳ رسید.^۵

نگران برای تغییر این روند کاهش‌یابنده، دولت کره جنوبی برای ایجاد فضای مناسب‌تری برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی سیاست‌های مشخصی در پیش گرفت. در اوت ۲۰۰۳، سه منطقه آزاد تجارتي ایجاد کرد تا کره را به صورت «مرکز تجارتي شرق آسیا» در بیاورد. بنگاه‌های خارجی که در این مناطق فعالیت می‌کنند نه فقط بخشودگی‌های مالیاتی خواهند داشت بلکه این بخشودگی شامل بسیاری از مقررات بهداشت محیط و کارگری هم می‌شود. دولت هم چنین برنامه دارد تا به خارجیان که در تکنولوژی بالا سرمایه‌گذاری می‌کنند، کمک هزینه‌ای معادل ۲۰٪ کل سرمایه‌گذاری بپردازد. ولی به نظر بعید می‌رسد که این سیاست موفق باشد و به اهداف خویش برسد. یک دلیل مهم این است که این شرکت‌های بین‌المللی برای سرمایه‌گذاری در چین تمایل بسیار بیشتری دارند چون در آنجا علاوه بر کار بسیار ارزان، یک نظام بسیار گسترده بارانه دولتی، و یک نظام نظارتي نه چندان سختگیرانه وجود دارد. مطلع از توان بالای چانه‌زنی خود، این شرکت‌های بین‌المللی از دولت کره جنوبی می‌خواهند که برای جذاب کردن «فضای تجاری» به خصوص در رابطه با سیاست‌های کارگری، بیشتر فعالیت بکند. براساس نوشته‌های در نشریه هرالده کره، «به گفته رئیس اداره تجارت آمریکا در کره، افزودن بر انعطاف بازار کار برای جذب سرمایه خارجی در صدر ارجحیت‌ها قرار دارد. رئیس ۶۱ ساله اداره تجارت آمریکا در سمیناری که از سوی موسسه اقتصاد جهانی برگزار شد گفت بدون پرداختن به مقوله کارگری، کره در برابر کار بسیار ارزان چین که رقیب اصلی اوست، شکنندگی بیشتری خواهد داشت. رقبای کره، شانگهای، هنگ کنگ و چین هستند. به گفته رئیس اداره تجارت، رقبای خود را بشناس، چون سرمایه‌گذاران می‌توانند تصمیم بگیرند که در کجا سرمایه‌گذاری کنند».^۶

درعین حال، درحالی که سرمایه‌گذاری خارجی در کره کاهش نشان می‌دهد، سرمایه‌گذاری خارجی کره جنوبی به طور چشمگیری

کارگران - کره جنوبی

اقتصاد کره جنوبی نیز هم‌جهت با پویش انباشت بین‌المللی که در صفحات پیشین توصیف کردیم با همان پی‌آمدهای منفی برای کارگران کره‌ای، درحال تغییر ساختار است. این تغییر ساختار به واقع نتیجه‌ای آزادسازی و کنترل‌زدائی از اقتصاد کره جنوبی پس از بحران (۹۸-۱۹۹۷) است که سیاست‌پردازان آمریکائی و ژاپنی مشوق آن بوده و با حمایت دوپهلوی شرکت‌های بزرگ کره‌ای از طریق صندوق بین‌المللی پول پیاده کردند.^۱ یکی از پی‌آمدهای عمده این است که رشد اقتصادی چین به صورت عمده‌ترین نیروئی درآمده که اقتصاد کره را به جلو می‌برد و به انتخاب‌های اقتصادی-اش شکل می‌بخشد. در ۲۰۰۱ چین به صورت بزرگترین دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری خارجی کره جنوبی درآمد. در ۲۰۰۴ تقریباً نیمی از سرمایه‌گذاری خارجی کره جنوبی، در کشور چین صورت گرفت. تا نوامبر ۲۰۰۴، چین ۳۲۲۹۹ پروژه پیشنهادی شرکت‌های کره‌ای به ارزش کل ۴۹/۱ میلیارد دلار در چین را تصویب کرد^۲ به مقدار قابل توجهی، به خاطر این سرمایه‌گذاری‌ها، در ۲۰۰۲ چین به صورت عمده‌ترین بازار صادراتی کره جنوبی در آمد و در ۲۰۰۳، عمده‌ترین طرف تجارتي آن بود. بلافاصله پس از بحران، دولت کره به سیاست وام‌ستانی برای تسریع بهبود اقتصادی کشور رو آورد. بودجه دولت به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی ازوضعیتی که در ۱۹۹۶ مزاد داشت به صورتی تغییر کرد که در ۱۹۹۹ با یک کسری معادل ۴/۶٪ تولید ناخالص داخلی روبرو شد. البته این میزان به نسبت بالای کسری قابل دوام نبود چون نسبت بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی که در ۱۹۹۷ فقط ۱۶/۲٪ بود در ۲۰۰۲ به ۳۹/۶٪ تولید ناخالص داخلی افزایش یافت. تعهدات اضافی دولت، شامل کمبود جدی در ذخایر عمومی بازنشستگان، و بهره‌های پرداختی برای اوراق قرضه صادرشده برای ثبات ارزش واحد پول ملی، هم فشار اضافی بود که بر مالیه دولت وارد می‌آمد.^۳ در تحت

4 Hart-Landsberg and Burkett 2001, pp 414-16

5 Hart-Landsberg, 2004, p. 93

6 Kim Ji-Hyun, 2004

1 Hart-Landsberg and Burkett 2001, Hart-Landsberg, 2004

2 Asia Times, 2005

3 Korea Herald, 2003b



افزایش یافته است. از ۱۹۹۸ به این سو، بیش از ۴۰۰۰ کارخانه کره جنوبی تولید خود را از کره جنوبی به خارج از آن منتقل کرده‌اند و شماره این کارخانه‌ها هر ساله افزایش می‌یابد. به گفته یکی از ماموران اداره گمرک کره جنوبی، «تقریباً ۷۰٪ این امکانات تولیدی به چین منتقل شده است».^۱ پژوهش دیگری که از سوی اتاق تجارت و صنعت کره جنوبی انجام گرفته نشان می‌دهد که «از هر ده کارخانه‌ای که در کره جنوبی به تولید مشغول‌اند ۹ کارخانه برنامه دارند که در آینده در چین سرمایه‌گذاری بکنند چون هزینه تولید پائین و مقررات بسیار مناسب است و بازار را نسبت به کره جنوبی بسیار جذاب‌تر می‌کند».^۲ در نتیجه این روند، خالص سرمایه-گذاری مستقیم خارجی کره جنوبی در سال ۲۰۰۲ منفی شد (به جدول ۲ بنگرید).



چوبل‌ها (شرکت‌های بزرگ کره‌ای) نیز همانند هم‌تایان خارجی خود از دولت می‌خواهند که برای تضعیف جنبش کارگری قدم‌های جدی بردارد. آنها بدون این که حرفشان ابهامی داشته باشد گفته‌اند اگر دولت به خواسته‌شان پاسخ مثبت ندهد آنها تولید را «در طول دریای زرد به چین که در آنجا مزدها کمتر، و خواسته‌های کارگران ندرتا در درساز است منتقل خواهند کرد».^۳ همان گونه که هرالده کره گزارش می‌دهد، این یک تهدید خشک و خالی نیست: «یک سازمان برجسته تجاری کره جنوبی دیروز می‌گفت که صنایع کره بسیار سریع‌تر از صنایع دیگر اقتصادهای پیشرفته به کشورهای دیگر می‌روند و به همین خاطر، تا ۲۰۰۷، به اصطلاح «از میان تهی» شدن صنعتی «خیلی جدی خواهد شد. مهاجرت صنعتی که در گذشته عمدتاً در صنایع سبک مثل کفش‌دوزی و نساجی اتفاق می‌افتاد الان به سرعت به دیگر صنایع از جمله صنایع الکترونیک، ارتباطات، و صنایع فلزی و ماشین‌سازی سرایت کرده است».^۴

از سال ۱۹۹۹ به این سو دولت کره جنوبی برای مقابله با این تحولات منفی، در میان خیلی کارهای دیگر، برای افزودن بر مصرف شخصی داخلی مشوق استفاده از کارت‌های اعتباری شد. دیگر سیاست‌ها عبارتند از افزودن بر میزان پولی که مشتریان می‌توانند نقد کنند، کسر مالیات برای خریدهایی که بوسیله کارت‌های اعتباری انجام می‌گیرد. نتیجه اعمال این سیاست این بود که مصرف به

شدت افزایش یافت و در کنارش هم با انفجار بدهی کارت‌های اعتباری روبرو هستیم. کل مصرف با استفاده از کارت‌های اعتباری که در ۱۹۹۸ حدوداً ۵۳ میلیارد دلار بود به ۵۱۹ میلیارد دلار در ۲۰۰۲ افزایش یافت.^۵ بدهی خانوارها هم از ۸۷٪ درآمد قابل مصرف در ۱۹۹۹ به ۱۳۱٪ در سال ۲۰۰۲ افزایش یافت.^۶

در حالی که بیش از دوسوم مبادلات مصرف‌کنندگان با استفاده از پول‌های نقد شده و وام‌های کارت اعتباری انجام می‌گرفت، طولی نکشید که بسیاری از خانوارها با سطح وام‌های ناپایدار روبرو شدند. به سال ۲۰۰۲ که می‌رسیم نرخ ناتوانی در بازپرداخت وام به شدت افزایش یافت. در بهار ۲۰۰۳، دولت کره جنوبی که از گسترش ورشکستگی‌های شخصی و تاثیر این ورشکستگی‌ها بر کل نظام مالی کشور واهمه داشت، برای محدود کردن استفاده از کارت‌های اعتباری دست به اقدام زد. تعجیبی ندارد که توفیق دولت در اجرای این سیاست، باعث سقوط چشمگیر در میزان مصرف شخصی شد. هزینه‌های شخصی در کره جنوبی در ۲۰۰۳ به میزان ۱/۴٪ کاهش یافت و میزان کاهش در ۲۰۰۴ نیز معادل ۰/۹٪ بود.^۷ کاهش مصرف شخصی بر میزان سرمایه‌گذاری تجاری در داخل نیز تاثیر منفی گذاشت^۸ و در نیمه اول ۲۰۰۳ کره جنوبی با رکود اقتصادی روبرو شد.

در نتیجه این تحولات، کره جنوبی در حال حاضر بیشتر از همیشه برای رشد اقتصادی به صادرات وابسته است.^۹ در ۲۰۰۳ با کاهش مصرف و سرمایه‌گذاری در داخل، ۹۸/۲٪ رشد اقتصاد به خاطر صادرات بود.^{۱۰} در ۲۰۰۴ هم وضع به همین صورت باقی ماند و همانطور که در صفحات پیش گفته شد بخش اعظم این صادرات نیز به بازارهای چین صورت می‌گیرد. بسیاری از تحلیل‌گران کره جنوبی ادعا می‌کنند که تغییر جهت صادرات کره از آمریکا به سوی بازارهای چین، آسیب‌پذیری کشور در برابر بی‌ثباتی بازارهای آمریکا را کاهش داده است.^{۱۱} ولی همان طور که پیشتر دیده‌ایم چین در وجه عمده خودش به صورت یک سکوی تولیدی صادراتی به آمریکا عمل می‌کند. همراه این جهت‌گیری، بخش عمده صادرات کره به چین کالاهای واسطه‌ای هستند که برای تولید کالاهای دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند. بررسی‌های انجمن تجارت بین‌المللی کره و موسسه کره‌ای سیاست اقتصادی بین‌المللی نشان داده است که «بخش عمده‌ای از کالاهای نهائی به یک کشور سوم فرستاده می‌شوند و تقریباً ۴۰٪ هم به آمریکا صادر می‌شود».^{۱۲} به همین شکل، یک پژوهش انجام گرفته بوسیله آنکتد درباره مناسبات تجاری در شرق آسیا نتیجه گرفت که صادرات کره به چین، با به پای صادرات چین به آمریکا حرکت می‌کند.^{۱۳}

5 Lowe-Lee, 2004, p.1
6 Kim Jae-kyoung, 2005
7 Kim Jae-kyoung, 2005
8 Kim Ji-ho 2004b
9 Hart-Landsberg, 2004
10 Kim Ji-ho 2004a
11 Lister, 2004, p.1
12 Brown, 2004, p.1
13 UNCTADm 2995, pp 137, 139

1 Kim Ji-Hyun, 2003
2 Kim Ji-Hyun, 2003
3 Kirk, 2003, p w1
4 Kim, Hyun- chul 2003

شده و نابرابری نیز هیچ‌گاه به این میزان نبوده است.^۷ یک بررسی از سوی نظام‌های خبری‌رکنی کره در ۲۰۰۴ روشن‌ترین شواهد را از عدم موفقیت فرایند تجدید ساختار دربرآوردن نیازهای اکثریت جمعیت به دست می‌دهد. همان‌طور که در تایمز کره گزارش شده است این بررسی نشان می‌دهد که «بیش از نیمی از کره‌ای‌ها فکر می‌کنند که شرایط اقتصادی اکتونی‌شان از آنچه که در اواخر ۱۹۹۷ یعنی وقتی که بحران مالی ارکان کشور را به لرزه درآورده بود بسیار بدتر شده است».^۸



۴- کارگران آمریکا

تا به همین جا به شماری از شیوه‌هایی که شبکه‌های تولیدی بطور منطقه‌ای سامان‌یافته‌ی آسیای جنوب شرقی موجب و خامت شرایط زندگی و کاری کارگران در این منطقه شده اشاره کرده‌ایم. تمرکز اصلی این شبکه تولیدی بر بازارهای آمریکاست و سیاست تهاجمی صادراتی چین برای کارگران آمریکائی نیز پی‌آمدهای منفی زیادی بار آورده است. به گفته بیزنس ویک:

«قیمت‌های چینی: این‌ها از خوفناک‌ترین واژه‌ها در صنعت آمریکا هستند. بطور کلی این یعنی بهائی ۳۰ یا ۵۰٪ کمتر از آن چه که می‌توانی محصولی را در آمریکا تولید کنی. در بدترین حالت، «قیمت‌های چینی» یعنی چیزی که از هزینه مواد اولیه تو هم کمتر است. سازندگان پارچه، کفش، ابزار الکتریکی و محصولات پلاستیکی که برای دهه‌ها سال کارخانه‌های آمریکائی را تعطیل می‌کرده‌اند به خوبی می‌دانند که کوشش برای رقابت با قیمت‌های چینی بی‌فایده است».^۹

رشد واردات و تعطیلی کارخانه‌ها موجب یک کاهش جدی در اشتغال صنعتی در آمریکا شد. در فاصله ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳ صنایع آمریکا بیش از ۳ میلیون فرصت شغلی را از دست دادند، ۲/۷ میلیون فرصت شغلی در طول ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳ از دست رفت.^{۱۰} اگر چه اقتصاددانان جریان اصلی ادعا می‌کنند که این کاهش فرصت‌های شغلی به خاطر تغییر ذائقه‌ی مصرف‌کنندگان (کاهش تقاضا برای محصولات صنعتی) یا افزایش بازدهی اتفاق افتاده است، ولی بیونز نشان می‌دهد که واردات یک عامل مهم‌تری بوده است. او این

به سخن دیگر، آینده اقتصادی کره جنوبی بطور روزافزونی به زنجیره محدودی از صادرات وابسته شده است که در چارچوبی که در یک نظام تولید برای صادرات چین بسوی بازارهای آمریکا شکل گرفته است. در حال حاضر تراز تجاری کره با چین مازاد دارد. با این وضع، و همزمان با این مازاد، اقتصاد کره جنوبی از بخش قابل توجهی از اساس صنعتی خود خالی می‌شود. بعلاوه تولیدکنندگان کره‌ای که برای بازارهای صادراتی تولید می‌کنند با رقابت روزافزون چینی‌ها در بازارهای دیگر روبرو هستند. بررسی‌های انجام گرفته بوسیله سازمان‌های تحقیقاتی خصوصی و دولتی در کره جنوبی اخطار داده‌اند که «توان رقابتی چین در صادرات در بعضی موارد از توان رقابتی کره - به ویژه در بخش‌های ماشین‌آلات، الکترونیک، محصولات خانگی، نساجی و بعضی فرآورده‌های بخش اطلاعات- بیشتر است».^۱

همان‌طور که تحولات در صنایع اتوموبیل‌سازی چین نشان می‌دهد، این رقابت فقط به تولیدات کم ارزش محدود نمی‌شود. در تولید اتوموبیل، چین از کره جنوبی جلو افتاده و اکنون به صورت چهارمین تولیدکننده درآمد است و تولیدش از سال ۲۰۰۲ به این سو همیشه از کره جنوبی بیشتر بوده است. به گفته یکی از مسئولان اتحادیه‌ی تولیدکنندگان اتوموبیل کره جنوبی «چین تولید اتوموبیل خود را افزایش داده است چون اغلب تولیدکنندگان اتوموبیل جهانی می‌کوشند برای دست یابی به بازار اتوموبیلی که سریع‌تر از هر جای دیگر رشد می‌کند در این کشور به تولید اتوموبیل بپردازند».^۲ از این هم خطرناک‌تر برای منافع اقتصادی کره جنوبی - به ویژه اگر در نظر داشته باشیم که اتوموبیل معادل ۳۰٪ کل صادرات کره است - این است که تولیدکنندگان خارجی اکنون به چین به صورت پایگاهی برای صادرات اتوموبیل خود می‌نگرند.^۳

کره جنوبی برای تجدید ساختار اقتصادی خود قیمت‌گرافی می‌پردازد. عمل و تهدید بنگاه‌های بزرگ باعث شد تا دولت دست با اصلاحاتی بزند که توان چانه‌زنی‌شان را با کارگران بیشتر کرده است. برای نمونه بسیاری از بنگاه‌ها با استفاده از قانون کار جدید، به اخراج کارگران دائمی و جایگزینی‌شان با کارگران موقت و حتی روزمزد دست زدند که بخشی از «قابل انعطاف‌کردن» نیروی کار است. در نتیجه، درصد کارگرانی که موقعیت کاری‌شان نامنظم است از ۴۲ درصد در ۸-۱۹۹۷ به ۵۵٪ در ۲۰۰۳ افزایش یافته است.^۴ مزد ساعتی این کارگران نامنظم بطور متوسط معادل ۵۳٪ مزد ساعتی کارگران دائمی است.^۵ بعلاوه سیاست‌های دولت به ایجاد یک ذخیره عظیم بیکاران، و آنها که برای خود کار می‌کنند و اعضای خانواده‌هایشان که مزدی هم دریافت نمی‌کنند کمک کرده است که اکنون بیش از یک سوم نیروی کار در اقتصاد را شامل می‌شود.^۶

تعجبی ندارد که میزان فقر از آنچه که قبل از بحران بود بسیار بیشتر

1 Cooper, 2002, p.1
2 Kim, Hyun- chul 2004
3 Bradsher, 2005
4 Jung 2004, pp280-1
5 Korea Herald, 2003a
6 Korea Herald, 2005

7 Hart-Landsberg, 2004 pp 98-99

8 Kim Jae-kyoung, 2004

9 Business Week, 2004

10 Bivens 2004, p. 2, cf Burke et al. 2004, pp 4-5



کار را به این صورت انجام می‌دهد که مقیاسی از تقاضا برای کالاهای صنعتی را در نظر می‌گیرد که شامل کل تولیدات صنعتی داخلی و خالص واردات محصولات صنعتی به آمریکاست و بعد آن را با مقیاسی از کل تقاضای داخلی که شامل تولید ناخالص داخلی و خالص واردات همه فرآورده‌ها و خدمات است مقایسه می‌کند.

بطور مشخص، بیونز متوجه می‌شود که در حالی که سهم تولیدات صنعتی داخلی به نسبت تولید ناخالص داخلی کاهش یافته است، سهم تقاضا برای محصولات صنعتی (از جمله خالص واردات) به صورت درصدی از کل تقاضای داخلی - به صورتی که در بالا تعریف شد - به واقع در طول ۱۹۹۸-۲۰۰۳ افزایش یافته است.^۱ در نتیجه، کاهش مشاغل صنعتی نه به خاطر کاهش تقاضای برای تولیدات صنعتی بلکه به خاطر کاهش تولیدات صنعتی داخلی است. به واقع، نسبت تولیدات صنعتی داخلی به کل تقاضا برای محصولات صنعتی از ۸۹/۲٪ در ۱۹۹۷ به ۷۶/۵٪ در ۲۰۰۳ کاهش یافت.^۲ بطور کلی

براساس بررسی بیونز، در طول ۱۹۹۸-۲۰۰۳ عوامل داخلی (تقاضا و بازدهی) فقط موجب ۴۱/۵٪ کاهش در فرصت‌های شغلی در صنعت شد و ۵۸/۵٪ مشاغل از دست رفته به خاطر واردات بود.^۳

طبیعتاً موقعیت تازه چین به عنوان لنگرگاه نظام صادراتی فراملیتی آسیای جنوب شرقی موجب شد تا بسیاری از شرکت‌ها و کارگران آمریکایی به فعالیت‌های صادراتی چین حساس بشوند. بعلاوه در سال‌های گذشته صادرات چین عمدتاً محصولات از نظر تکنیکی پائین بود، ولی اکنون

بطور روزافزونی به صدور محصولاتی رو آورده است که موقعیت کارگران با مزدبالای آمریکایی را به مخاطره انداخته است. برای نمونه، درحالی که در «۱۹۸۹ حدوداً ۲۷٪ واردات از چین با محصولات تولید شده بوسیله کارگران با مزدبالای آمریکا رقابت می‌کرد، این میزان در ۱۹۹۹ به ۴۵٪ رسید».^۴

ما گفته‌ایم که پدیده اقتصادی چین را نه به عنوان پدیده‌ای ملی و یا حتی بین ملت‌ها، بلکه به عنوان فرایند سرمایه‌داری فراملیتی باید شناخت که تولید در مناطق مختلف را به نفع سرمایه فراملیتی و به ضرر بنگاه‌هایی که به این فرایند پیوند نخورده باشند و اغلب کارگران در کشورهای درگیر به یک دیگر پیوند می‌زند. همخوان با این نقطه نظر، درحالی که بسیاری از شرکت‌های آمریکایی از این فعالیت‌های تولیدی چین متضرر می‌شوند، ولی شرکت‌های دیگر آمریکایی بطور مستقیم به این فرایند کمک کرده و از آن سود می‌برند. در میان شرکت‌هایی که بیشترین سود را می‌برند، به گفته تایمز مالی، شرکت‌هایی هستند که از چین به عنوان یک پایگاه صادراتی و یا به عنوان منبع کالاهای ارزان - برای نمونه وال مارت - استفاده می‌-

کنند.^۵ در واقع، ۱۰٪ واردات آمریکا از چین بوسیله وال مارت انجام می‌گیرد.^۶ یک برآورد که در چاینا دیلی منتشر شد مدعی است که واردات وال مارت از چین در ۲۰۰۴ از ۱۸ میلیارد دلار بیشتر خواهد شد.^۷ دیگر شرکت‌های فراملیتی آمریکایی، برای نمونه جنرال موتورز، پراکترو گامبل و موتورولا نیز از تجارت مستقیم و غیر مستقیم با چین سودهای کلان می‌برند.^۸

نقش شرکت‌های فراملیتی آمریکایی در پیشبرد و تعمیق این فرایند مستقر در چین به زبان کارگران آمریکایی با اهمیت و در حال افزایش است. به گفته برک، «۱۰٪ افزایش در سرمایه‌گذاری آمریکا در چین در یک صنعت، باعث ۷/۳٪ افزایش واردات آمریکا از چین و ۲/۱٪ کاهش در واردات چین از آمریکا در آن صنعت خاص می‌شود».^۹ برای نشان دادن تغییر در جهت‌گیری شرکت‌های آمریکایی که در چین فعالیت می‌کنند، برک صادرات آمریکا به شرکت‌های آمریکایی در چین را با واردات آمریکا از این شرکت‌ها در طول ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۷ به صورت نمودار ارائه می‌دهد.^{۱۰}



نتیجه این که «از ۱۹۹۵، ارزش واردات از شرکت‌های آمریکایی در چین، از صادرات آمریکا به این شرکت‌ها بسیار بیشتر بوده است. تنها در فاصله چند سال، شرکت‌های فراملیتی آمریکایی فعال در چین، از حالت صادرکننده به چین به صورت صادرکننده‌ی خالص به آمریکا درآمدند و این شکاف، با سرمایه‌گذاری بیشتر آمریکا در چین بیشتر شده و کسری تراز پرداخت‌های روزافزون آمریکا را افزایش خواهد داد.»^{۱۱}

جدول شماره ۱۱ با بررسی فعالیت‌های شرکت‌های وابسته به بنگاه‌های آمریکایی در چین که خارجی‌ها در مالکیت‌اش اکثریت دارند این تغییر در جهت‌گیری را نشان می‌دهد. مشاهده می‌کنیم که از ۱۹۹۸ به این سو، صادرات این نوع شرکت‌های آمریکایی به بنگاه‌های مادر در آمریکا بسیار بیشتر از واردات‌شان از آنها بوده است که نتیجه‌اش بیشتر شدن کسر تراز تجاری آمریکا بود. نقش ویژه چین به این صورت برجسته می‌شود که رفتار شرکت‌های آمریکایی مشابه در آسیا و منطقه اقیانوس آرام از این الگو تبعیت نمی‌کنند. در آن مناطق، فعالیت‌های تجاری درون شرکت‌های فراملیتی آمریکایی، برای اقتصاد آمریکا هم چنان مازاد تولید می‌کند. به وضوح یک فرایند کلی عمل می‌کند که در آن، تولیدات مستقر در چین، اثر چشمگیری بر اقتصاد آمریکا می‌گذارند. اگرچه آن تولید به طور عمده با سرمایه آسیای جنوب شرقی به جلو رانده می‌شود، بخش قابل توجهی از صنایع آمریکا هم در این فرایند شراکت داشته و از آن سود می‌برد.

5 McGregor, 2004
6 China Economic Net, 2004
7 Jiang Jingjing, 2004
8 Business Week, 2004
9 Burke, 2000, pp1-2
10 Burke, 2000, p.4
11 ibid

1 Bivens, 2004 p. 4
2 Bivens, 2004, p. 5
3 Bivens, 2004, p. 6
4 Burke, 2000, p. 6

سال	صادرات کالای آمریکا به شرکت‌ها در چین	واردات کالای آمریکا از شرکت‌ها در چین	صادرات کالای آمریکا به شرکت‌ها در آسیا و منطقه اقیانوس آرام	واردات کالای آمریکا از شرکت‌ها در آسیا و منطقه اقیانوس آرام
۱۹۹۷	۱۷۴۵	۱۶۵۹	۵۰۹۲۲	۳۵۵۴۴
۱۹۹۸	۱۹۶۷	۲۰۲۶	۴۴۶۱۵	۳۶۴۱۹
۲۰۰۱	۲۱۵۲	۳۰۲۷	۴۱۷۵۷	۳۴۳۴۶
۲۰۰۲	۲۰۹۳	۳۰۳۷	۳۵۹۶۷	۳۰۸۷۰

منبع: Bureau of Economic Analysis 2000-4

اند.^۴ این ارقام نشان می‌دهد که اگر چه چین مقصد بسیاری از انتقال‌هاست ولی بیشترین شماره انتقال تولید به مکزیک انجام می‌گیرد و نه به چین.

احتمالاً مهم‌تر از رشد شماره انتقال تولید، این واقعیت است که سمت‌گیری استراتژیک هم به نظر می‌رسد که در حال تغییر است. در ۲۰۰۱، اکثریت این انتقال‌ها، بنگاه‌های آمریکایی بودند که تولید را از آمریکا تنها به یک نقطه دیگر در خارج از آمریکا منتقل می‌کردند. در ۲۰۰۴ ولی ۴۸٪ از انتقال‌ها شامل انتقال تولید از آمریکا به مقاصد مختلف در خارج از آمریکا بود. به گفته نویسندگان، «درصد بالایی از این انتقال‌ها، انتقال هم‌زمان به کشورهای آمریکایی لاتینی نزدیک (عمدتاً به مکزیک) و به چین و دیگر کشورهای "دورتر" در آسیا بود».^۵ به سخن دیگر، تجدید ساختار جهانی شرکت‌های بزرگ آمریکایی هم شامل مکزیک می‌شود و هم چین. نویسندگان این الگوی جدید را به این صورت توصیف کرده‌اند:

«برای نمونه، شرکت آمریکایی امروز در فوریه ۲۰۰۴ اعلام کرد که کارخانه تولید پنجره و کمد سازی‌اش را در راک فورد ایلی نویزپس از ۷۵ سال سابقه تولید در آنجا تعطیل خواهد کرد. بنگاه برنامه دارد که ۴۵۰ شغل را از ایلی نویز به چین و مکزیک منتقل کند - نه برای فروختن این تولیدات در بازارهای چین یا مکزیک بلکه به عنوان کوششی برای کاستن هزینه تولید تا بتواند توان رقابتی‌اش را در بازارهای آمریکا حفظ نماید. این نکته در باره بسیاری از شرکت‌های دیگر آمریکایی که برای فروش در بازارهای آمریکایی در چین تولید می‌کنند، برای مثال، شرکت کاربر (دستگاه تهویه هوا)، لیوایز (شلوارهای جین)، شرکت ورنر (نردبان‌های خانگی)، یونیون تولز (ابزار باغبانی و چمن زنی) و بنگاه تولیدی رمینگتون (ریش تراش برقی) نیز صادق است»^۶.

نقش منحصر به فرد چین در فرایند تجدید ساختار بین‌المللی در نتیجه پژوهش **برون فنبرنر و لوس** درباره انتقال تولید از دیگر کشورها به غیر از آمریکا روشن‌تر شده است. آنها در پژوهش خویش اعلام کرده‌اند که در طول ژانویه - مارچ ۲۰۰۴، ۵۵ مورد انتقال تولید از اروپا به چین و ۳۳ مورد انتقال از دیگر کشورهای آسیایی به چین (۱۷ مورد تنها از ژاپن) صورت گرفته است. و شبیه به تجربه آمریکا، بسیاری از این انتقال‌ها با انتقال جایگاه‌های تولیدی به کشورهای دیگر به غیر از چین هم‌آهنگ شده بود: «در حالی که شرکت‌های آسیایی مایلند فعالیت‌های تولیدی را به چند کشور منتقل نمایند، ما از چندین مورد انتقال فعالیت‌های تولید از کشورهای اروپایی به طور هم‌زمان به چین و کشورهای اروپای شرقی باخبر شده‌ایم. به احتمال زیاد دلیل این کار همانی است که مشوق انتقال تولید بنگاه‌های آمریکایی به مکزیک و چین بود، یعنی حفظ بعضی از وجوه تولید در کشورهای هم‌مرز و نه خیلی دورافتاده تا از طریق حمل و نقل زمینی در زمان کم و بطور سریع و کم‌هزینه در دسترس باشد».^۷

ما به دلیل اهمیت چین در پویایی سرمایه‌داری جهانی به خصوص در توسعه صنایع آسیای شرقی و کسری تراز تجاری آمریکا برآن تمرکز کرده‌ایم. با این همه، دقیقاً نظر به این که نقش تازه جهانی چین در نتیجه ماهیت تغییر یابنده ضروریات تولید بین‌المللی سرمایه‌داری رشد کرده است، این اهمیت دارد تا بپذیریم که این فعالیت‌های فراملیتی فقط به شرق آسیا محدود نمی‌شود و رقابت سرمایه‌دارانه مجموعه‌ای از مناسبات پیچیده فرامرزی در سرتاسر جهان ایجاد می‌کند. این پیچیدگی در پژوهشی که **کیت برون فنبره نر و استنفنی لوس** برای کمیسیون بازرینی مناسبات اقتصادی و امنیتی چین و آمریکا انجام داده‌اند هم برجسته شده است.^۱ تاکید اصلی پژوهش ایشان بر انتقال تولید و احدهای آمریکایی (کاستن مشروط و رشد اشتغال) به چین به صورتی که در نشریات انگلیسی‌زبان درج شده در سه ماه اول ۲۰۰۴ و ۲۰۰۱ بود، برای این که این تحركات بنگاه‌های بزرگ در یک دورنمای گسترده جغرافیایی قرار بگیرد آنها به انتقال اشتغال از آمریکا به دیگر کشورهای آسیایی، مکزیک، و دیگر کشورهای آمریکای لاتین و به همین نحو انتقال تولید از آسیا، اروپا و دیگر کشورها به چین، دیگر کشورهای آسیایی و کشورهای آمریکای لاتین هم توجه کرده‌اند.^۲

برای سه ماه اول ۲۰۰۴، آنها از ۲۵۵ انتقال بوسیله شرکت‌های آمریکایی خبر داده‌اند. ۶۹ تا از این انتقال‌ها به مکزیک صورت گرفت، چین هم ۵۸ مورد، دیگر کشورهای آسیا، ۳۹ مورد، هندوستان ۳۱ مورد و دیگر کشورهای آمریکای لاتین و کشورهای کارائیب نیز شاهد ۳۵ مورد انتقال بوده‌اند.^۳ این تعداد انتقال در مقایسه با انتقال‌هایی که در سه ماه اول ۲۰۰۱ انجام گرفت نشان دهنده یک رشد خارق‌العاده بود. در سه ماه اول ۲۰۰۱، نویسندگان تنها به ۳۰ انتقال به مکزیک و ۲۵ انتقال تولید به چین سخن گفته -

1 Bronfenbrenner and Luce 2004

2 Bronfenbrenner and Luce 2004, p. 9

قرار نبود این پژوهش همه جانبه باشد. برای نمونه آنها به گسترش‌های برنامه ریزی شده و یا کاستن از تولید در محل‌های مختلف که از سوی کمپانی فراملیتی انجام گرفت (درمقایسه با تعطیل یا گشودن واحدهایی که به هم مربوط بوده‌اند) نپرداختند. هم‌چنین آنها شیوه‌های خرید از خارج که در آن بنگاه‌های آمریکایی (فراملیتی یا نه) به جای خرید از بنگاه‌های داخلی از بنگاه‌های خارجی مواد واسطه‌ای خریداری کرده‌اند را بررسی نکرده‌اند. Burke و دیگران ۲۰۰۴ نشان دادند که این نوع خرید از خارج در سالهای اخیر به شدت رشد کرده است.

3 Bronfenbrenner and Luce 2004, p. 16

4 Bronfenbrenner and Luce 2004, p. 17

5 Bronfenbrenner and Luce 2004, p. 20

6 Bronfenbrenner and Luce 2004, pp 33-4

7 Bronfenbrenner and Luce 2004, p. 21



به این ترتیب، شرکت‌های فراملیتی از هر سه منطقه در حال گسترش فعالیت‌های تولیدی خود به مناطق نزدیک و دور هستند. در شرق آسیا، چین پایگاه اصلی تولیدی و برای بسیاری از شرکت‌های آسیای شرقی نیز بهترین مکان نزدیک و دور برای گسترش تولید است. ولی برای شرکت‌های آمریکائی و اروپائی، چین انتخاب مطلوب تولید در دوردست است. در حالی که شرکت‌های آمریکائی برای تولید در منطقه‌ای نزدیک به خویش به سراغ مکزیک می‌روند و برای شرکت‌های اروپائی نیز اروپای شرقی از این دیدگاه مطلوب است. از آنجائی که شرکت‌های اروپائی و آمریکائی انتخاب‌های دیگری هم دارند که به آنها نزدیک‌تر است، فعالیت‌های فرامریزی آنها به اندازه‌ی فعالیت‌های فرامریزی شرکت‌های آسیائی به چین وابسته نیست.

در کل این نکاتی که مطرح کرده‌ایم نشان از رقابت بسیار سختی می‌دهد که در میان شرکت‌های فراملیتی مستقر در اروپا، آمریکا و آسیا برای گسترش و چندپایه کردن شبکه‌های تولیدی‌شان در جریان است. نتیجه این رقابت بیشتر این است که کارگران کشورهای مختلف نیز چه در درون و یا بین این شرکت‌ها درگیر یک چارچوب شدید رقابتی شده‌اند. به نظر می‌رسد که سرمایه‌آسیائی در این میان هم تحرک سریع تری داشته و هم در فواصل دورتری سرمایه‌گذاری شده است. البته بنگاه‌های اروپائی و آمریکائی نیز به سرعت این فاصله را کاهش می‌دهند. نقش چین بسیار حساس است چون اگرچه پایگاه تولیدی برای شرکت‌های آسیای شرقی است - منطقه‌ای که از همه بیشتر تمایل به صادرات دارد - ولی در شبکه‌های تولیدی فراملیتی که از سوی شرکت‌های آمریکائی و اروپائی گسترش می‌یابد، نیز نقش بسیار حساسی ایفا می‌کند.

تشابه تجربیات کارگران از این پویای تولیدی و سرمایه‌گذاری فراملیتی سرمایه‌داری با روند اشتغال در چین و آمریکا که در دو سوی متضاد این پویائی هستند مشخص می‌شود. واقعیت این است که اگر در آمریکا فرصت‌های اشتغال در صنایع کاهش می‌یابد، وضعیت در چین هم به همین گونه است. همان طور که در گزارش هیئت مدیره کنفرانس آمده است، «اگرچه بحث‌های زیادی در می‌گیرد که کارهای با سطح مزد بالا در آمریکا به کشورهای مثل چین که در آنها سطح مردها پائین است منتقل می‌شوند، ولی تعداد قابل توجهی فرصت‌های شغلی در صنعت هر دوی این کشورها بطور هم زمان از دست می‌روند»^۱. بطور مشخص، در طول ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲، «در مقایسه با آمریکا، چین فرصت‌های شغلی بیشتری را - در جمع ۱۵ میلیون یا کاهشی معادل ۱۵٪ - در صنعت از دست داده است». بعلاوه کاهش فرصت‌های اشتغال در صنایع مشابه هم اتفاق افتاده است. برای مثال، آمریکا در فاصله‌ی ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ در صنعت نساجی ۲۰۲۰۰ شغل از دست داده است که با هر معیاری رقم قابل توجهی است. ولی شماره کارگران نساجی که در طول همین مدت در چین کارشان را از دست داده‌اند از این هم بسیار بیشتر

است، یعنی ۱/۸ میلیون فرصت شغلی، در واقع، چین در ۲۶ صنعت از ۳۸ بخش صنعتی خویش با کاهش فرصت‌های شغلی روبرو بوده است.^۲ بطور خلاصه، کارگران در چین، آسیای شرقی و آمریکا بطور روزافزونی گرفتار پویای مشترک تجدید ساختار سرمایه‌داری هستند. ثروت البته که تولید می‌شود ولی میزان کمی از آن نصیب کسانی می‌شود که به واقع این ثروت را تولید می‌کنند. به عوض، بخش عمده‌ای از کارگران به رقابت با یکدیگر وادار می‌شوند و از بی-آمدهای مشابهی - از جمله بیکاری، و شرایط زندگی و کاری هر روزه ناهنجارتر - عذاب می‌کشند.

۸- نتیجه‌گیری

بررسی ما از چین پویائی ادامه‌دار سرمایه‌داری کنونی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این پویائی به تغییرات سریع در موقعیت اقتصادی ملت‌ها و توسعه مناسبات تازه تولیدی و مبادله در درون و بین کشورها منجر می‌شود. در واقع سرعت زیاد تغییرات باعث شده که خیلی‌ها سرمایه‌داری کنونی را به صورت یک موتور توسعه ارزیابی نمایند. معذالک ما معتقدیم که یک بررسی دقیق از پویای معاصر نشان می‌دهد که با وجود رشد سریع و موفقیت‌اش در صادرات، از منظر طبقه کارگر، چین الگوی مطلوب و مناسبی برای توسعه نیست. کارگران چینی در حالی که بیشتر و بیشتر برای صادرات تولید می‌کنند، بطور فزاینده‌ای با شرایط نامناسب و ناهنجارتری روبرو هستند.

چین از یک فرایند توسعه‌ای که به حال کارگران دیگر کشورها مفید باشد، هم تبعیت نمی‌کند. کارگران در سراسر آسیای جنوب شرقی در فرایند تولیدی که از بسیاری از مرزها می‌گذرد آن‌چنان درهم تنیده می‌شوند که باعث شده است تا فعالیت‌های در سطح ملی و منابع به گونه‌ای نامناسب برای برآوردن نیازهای محلی تجدید ساختار شود. فعالیت‌ها و منابع به گونه‌ای سازمان-دهی می‌شوند که با هدایت شرکت‌های بزرگ فراملیتی برای بازارهای صادراتی در بیرون از این منطقه مطلوب و مفیدند. این شرکت‌ها هم مستقل از هزینه‌های اجتماعی و بهداشت محیطی، تنها انگیزه‌شان کاستن از هزینه‌های تولیدی است. اقتصاد آمریکا و کارگران آمریکائی هم به عنوانی بخشی از همین فرایند تجدید ساختار می‌شوند.

بررسی ما از این پویای معاصر هم‌چنین نشان می‌دهد که تجدید ساختار سرمایه‌داری بین‌المللی که در دورن آن چین نقش بسیار حساسی ایفا می‌کند، به عدم توازن و تنش‌های زیادی هم دامن زده است. برای نمونه، رشد کشورهای آسیای شرقی به طور روزافزونی به هر چه بیشتر شدن کسری تراز پرداخت‌های آمریکا وابسته است. این روند نمی‌تواند برای همیشه ادامه یابد. منظور ما از بیان این نکته البته این نیست که پیش‌گویی کنیم که سرمایه‌داری به یک بحران نهائی رسیده است. بلکه نظرم این است که

- 40- Ibid
 41- Bronfenbrenner and Luce 2004.
 42- Bronfenbrenner and Luce 2004, p.9.
 43- Bronfenbrenner and Luce 2004, p.16.
 44- Bronfenbrenner and Luce 2004, p.17.
 45- Bronfenbrenner and Luce 2004, p.20.
 46- Bronfenbrenner and Luce 2004, pp. 33-34.
 47- Bronfenbrenner and Luce 2004, p.21.
 48- Mc Guckin and Spiegelman 2004, part I
 49- Ibid

ارجاع:

Asian Development Bank 2004, *key indicators 2004*, www.adb.org/statistics.
 Asian Development Bank 2005, *Asia Regional Information Center Indicators*, <http://aric.adb.org/>.
 Asia Times 2005, 'China's Trade With South Korea on Fast Track,' 5 March, available at <www.atimes.com>.
 Athukurala, Prema-chandra 2003, 'Product Fragmentation and Trade Patterns in East Asia', *Working Paper No.2003/21*, Division of Economics, Research School of Pacific and Asian Studies, Australian National University, October: 1-67
 Bivens, Josh 2004, 'Shifting Blame for Manufacturing Job Loss,' Briefing Paper No. 149, Economics Policy Institute, April, available at: http://www.epinet.org/briefing_papers/149/bp149.pdf.
 Brandsher, Keith 2005, 'Next Wave From China: Exporting Cars to the West', *New York Times*, 25 June, available at: www.nytimes.com
 Bronfenbrenner, Kate and Stephanie Luce 2004, *The Changing Global Restructuring: The Impact of Production Shifts on Jobs in the US, China, and Around the Globe*. Submitted to the US-China Economics and Security Review Commission, 14 October, available at: http://www.uscc.gov/researchpapers/2004/cornell_u_mass_report.pdf: 1-95.
 Brown, Christine P. 2004, 'Trade Sector Leads Korea's Economics Growth in First Half of 2004', *Korea Insight*, 6,8:1.
 Bureau of Economic Analysis 2000-4, 'Reports on US Multinational Companies' Operations', US Department of Commerce, *Survey of Cultural Business*, various issues, available at: <http://www.bea.doc.gov/bea/pubs.htm>.
 Burke, James 2000, 'US Investment in China Worsens Trade Deficit', Briefing Paper No.90, Economic Policy Institute, May, available at: <http://www.epinet.org/briefingpapers/FDI/FDI_BP.pdf>.
 Burke, James, Jerald Epstein and Minsik Choi 2004, *Rising Foreign Outsourcing and Employment Losses in US Manufacturing, 1987-2002*, working Paper No.89, Political Economy Research Institute, University of Massachusetts at Amherst, October.
 Burkett, Poul and Martin Hart-Landsberg 2000, *Development, Crisis, and Class Struggle: Learning from Japan and East Asia*, New York: St. Martin's Press.
 Business Week 2004, 'Special Report, The China Price', 6 December, available at: www.businessweek.com.
 Cheng, Allen T. 2004, 'Rich-Poor Gap Among the Worst, Study Finds', *South China Morning Post*, 26 February, available at: www.scmp.com.
 China Economics Net 2004, 'Implications of Wal-Mart's Procurement in China', 26 November, available at: <www.China-labour.org.uk>.
 China Labour Bulletin 2005, 'Subsistence Living for Millions of Former State Workers', 7 September, available at: www.china-labour.org.uk.
 Cody, Edward 2004, 'Workers in China Shed Passivity, Spate of Walkouts Shakes Factories', *Washington Post*, 27 November, available at: www.washingtonpost.com.
 Cooper Carolin 2002, 'Does China Pose an Economic Threat to Korea?'

این عدم توازن‌ها باید تصحیح شوند و تا آنجا که منطبق رقابت سرمایه‌داری با چالشی روبرو نشود، دولت‌ها می‌توانند بی‌ثباتی اقتصادی ناشی از این عدم توازن‌ها را با خراب‌تر شدن وضع کارگران مدیریت کنند. در واقع، این عدم توازن‌ها توضیح ضروری شدن این سیاست‌ها را ارایه می‌دهند که عمدتاً محرک نژادپرستی و ناسیونالیسم مخرب خواهند شد. این که آیا کارگران جواب مقتضی به این موقعیت خواهند داد، در آینده مشخص خواهد شد. به وضوح، طبیعت پویای این نظام و هم‌چنین ثروتی که تولید می‌شود موجب کتمان طبیعت منهدم‌کننده‌ی این نظام و هم‌چنین چشم‌انداز جریان اصلی از تجربه چین می‌شود. ما باید این چشم‌انداز را به چالش طلبیده و از فرایندهای سرمایه‌داری فراملیتی که موجب تغییر شکل اقتصاد کشورهای گوناگون می‌شود، اسطوره‌زدائی بکنیم تا ریشه‌های سرمایه‌دارانه‌ی مشکلات اجتماعی روزافزونی که کارگران در سرتاسر جهان با آنها روبرو می‌شوند، و هم‌چنین عدم توازن ساختاری که مستمندسازی بیشتر را نوید می‌دهد، نشان بدهیم. و بالاخره، ما باید این دانش و درک خودمان را به صورت برنامه‌ای برای عمل در بیاوریم که می‌تواند مددکار ایجاد نهضت‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی برای تغییر باشد و به کارگران امکان بدهد تا بتوانند کنترل زندگی خویش را در دست بگیرند.

منابع:

- 1- Hart-Landsberg and Burkett 2001; hart-Landsberg 2004
- 2- Asia Times 2005
- 3- Kora Herald 2003b.
- 4- Hart-Landsberg and Burkett 2001, pp.414-16
- 5- Hart-Landsberg 2004, p. 93.
- 6- Kim Ji-Hyun 2004.
- 7- Kim Ji-Hyun 2003.
- 8- Kim Ji-Hyun 2003.
- 9- Kirk 2003 pw1
- 10- KimHyun-Chul 2003
- 11- Lowe-Lee 2004, p.1.
- 12- Kim Hae-Kyoung 2005
- 13- Kim Hae-Kyoung 2005
- 14- Kim Ji-ho 2004b
- 15- Hart-Landsberg 2004
- 16- Kim Ji-ho 2004a.
- 17- Lister 2004, p.1.
- 18- Brown 2004, p.1
- 19- UNCTAD 2005, p.137/139.
- 20- Cooper 2002 p.1.
- 21- Kim Hyun-Chul 2004
- 22- Bradsher 2005
- 23- Jang 2004, pp 280-1
- 24- Korea Herald 2003a
- 25- Korea Herald 2005
- 26- Hart-Landsberg 2004, pp.98-9.
- 27- Kim Jae-Kyoung 2004
- 28- Business Week 2004.
- 29- Bivens 2004, 2; cf. Bank et al. 2004, pp.4-5.
- 30- Bivens 2004,p.4.
- 31- Bivens 2004,p.5.
- 32- Bivens 2004,p.6.
- 33- Burke 2000 p.6.
- 34- Mc Gregor 2004
- 35- China Economic Net 2004.
- 36- Jiang Jingjing 2004
- 37- Business Week 2004
- 38- Burke 2000, pp.1-2.
- 39- Burke 2000, p.4.



Herald, 25 October, available at: www.koreaherald.co.kr.

Kirk, Don 2003, 'Contract at Hyundai Raises Sights of Korean Workers', *New York Times*, 19 August: W1, W7: www.nytimes.com.

Korea Herald 2003a, 'Labor Group Seeks Equality for All Workers', 16 January, available at: www.koreaherald.co.kr.

Korea Herald 2003b, 'Korea's State Debt Tripled Over 5 Years', 8 September, available at: www.koreaherald.co.kr.

Korea Herald 2005, 'The Self-Employment In Plight', 12 February, available at: www.koreaherald.co.kr.

Lall, Sanjaya and Manuel Albaladejo 2004, 'China's Competitive Performance: A Threat to East Asian Manufactured Exports?' *World Department*, 32, 9: 1441-66.

Lee, Ching Kwan 2004, 'Made in China': labor as a Political Force? ', Presentation at the 2004 Mansfield Conference, The University of Montana, Missoula, 18-20 April, available at: <http://www.umt.edu/mansfield/Ching%20Kwan%20Lee%20paper.pdf>.

Lister, James M. 2004, 'Outlook for Korea's Economy', *Korea Insight*, 6, 1:1.

Lower Lee, Florence 2004, 'a New Financial Crisis: Credit Card Excesses', *Korea Insight*, 6, 2:1-2.

McGregor, Richard 2004, 'Competition in China Keeps Foreign Profits Low', *Financial Times*, 5 December, available at: www.ft.com.

McGukin, Robert H. and Matthew Spiegelman 2004, *China Experience with Productivity and Jobs: Benefits and Costs of Change*, Parts I, II, III, IV, Research Report No. R-1352-04-RR, The Conference Board, June, available at: <http://www.conference-board.org/publications/reports.cfm>.

Naughton, Barry 1996, 'China's Emergence and Prospects as a Trading Nation', *Brookings Paper on Economic Activity*, No. 2: 273-344.

OECD(Organization for Economic Co-operation and Development) 2005, *Economic Surveys: China*, Paris: OECD.

People's Daily 2004, 'Income Gaps Have to be Closed', 25 February, available at: <http://english.peopledaily.com.cn>.

People Daily 2005a, 'China's Middle Class Defined by Income', 20 January, available at: <http://english.peopledaily.com.cn>.

People's Daily 2005b, 'China's Dependence Upon Overseas, Domestic Demand Severely Imbalanced', 20 November, available at: <http://english.peopledaily.com.cn>.

Roach, Steven 2003, 'The Hypocrisy of Bashing China', *Financial Times*, 7 August, available at: www.ft.com.

Roach, Steven 2005, 'What if China Slows', *Global Economic Forum*, Morgan Stanley, 23 May, available at: www.morganstanley.com/GEFdata/digests.

Steinfeld, Edward S. 2004, 'China's Shallow Integration: Networked Production and the New Challenge for Late Industrialization', *World Development*, 32, 11:1971-87

UNCTAD (United Nations Conference on Trade and Development) 2002, *Trade and Development Report 2002*, New York: United Nations.

UNCTAD (United Nations Conference on Trade and Development) 2005, *Trade and Development Report 2005*, New York: United Nations.

US Department of Commerce 2005, 'US Aggregate Foreign Trade Data', available at: <http://www.ita.doc.gov/td/industry/otea/usfth/tabcon.html>.

Korea Insight, 4, 1:1.

Coy, Peter 2004, 'Just How Cheap Is Chinese Labor?' *Business Week*, 3 December, available at: www.businessweek.com.

Economist 2004, 'The Dragon and the Eagle', 2 October: 3-26.

Economist 2005, 'The Struggle of Champions', 6 January: 59-61.

Fernald, John and Prakash Loungani 2004, 'Comrades or Competitors? On Trade Relationships between China and Emerging Asia', *Chicago Fed letter*, No.20 (March): 1-4

Gilboy, George G.2004, 'The Myth Behind China's Miracle', *Foreign Affairs*, July-August, available at: www.foreignaffairs.org.

Gough, Neil 2005, 'Trouble on the Line', *Time Asia*, 31 January, available at: www.time.com/time/asia.

Hart-Landsberg, Martin 2004, 'The South Korean Economy and US Policy', *Asian Perspective*, 28, 4: 89-117.

Hart-landsberg, Martin and Poul Burkett 2001, 'Economic Crisis and Restructuring in South Korea: Beyond the Free Market-Statist Debate', *Critical Asian Studies*, 33, 3:403-30.

Hart-Landsberg, Martin and Poul Bukett 2005a, *China and Socialism: Market Reforms and Class Struggle*, New York: Monthly Review Press.

Hart-landsberg, Martin and Poul Burkett 2005b, 'China and Socialism: Engaging the issues', *Critical Asian Studies*, 37, 4:597-628.

Holland, Tom 2004, 'Labour Pains', *Far Eastern Economic Review*, 23 September: 42.

Holst, David Roland and John Weiss 2004, 'ASEAN and China: Export Rivals or Partners in Regional Growth?' *World Economy*, 27, 8: 1255-74

Hong Kong Confederation of Trade Unions 2004, *Chinese Labour and the WTO*, <http://www.ihlo.org>: 1-60

Huang, Cary 2005, 'Unified Taxation Plan for Business Delayed', *South China Morning Post*, 28, January, available at: <www.scmp.com>.

Jang, Sang-hwan 2004, 'Continuing Suicides Among Laborers in Korea', *Labor History*, 45, 3:271-97

Jiang Jiangjing 2004, 'Wal-Mart's China Inventory to Hit US\$18b This Year', *China Daily*, 29 November, available at: www.chinadaily.com.cn.

Keliher, Macabe 2004, 'Replacing US in Asian Export Market', *Asian Times*, 11 February, available at: www.atimes.com.

Kim Hyun-chul 2003, 'Chaebol Lobby Warns of Exodus', *Korea Herald*, 27 June, available at: www.koreaherald.co.kr.

Kim Hyun-chul 2004, 'China Outstrip Korean Car Production', *Korea Herald*, 2 February, available at: www.koreaherald.co.kr.

Kim Jae-kyoung 2004, 'Hardship More Serious Than 6 Years Ago', *Korea Times*, 26 May, available at: <http://times.hankooki.com>.

Kim Jae-kyoung 2005, 'South Korea's Consumption Growth Lowest in OPEC', *Korea Times*, 3 January, available at: <http://times.hankooki.com>

Kim Ji-ho 2004a, 'Morgan Stanley Warns of Economic Slowdown in China', *Korea Herald*, 24 March, available at: www.koreaherald.co.kr.

Kim Ji-ho 2004b, 'Chaebol Investment Falls 33.5%', *Korean Herald*, 12 July, available at: www.koreaherald.co.kr.

Kim Ji-hyun 2004, 'Flexibility in Labour Top Priority', *Korean Herald*, 22 May, available at: www.koreaherald.co.kr.

Kim Mi-hui 2003, 'Factories Relocating Abroad to Cut Costs', *Korean*

